

دیوان

افضل الدین بدیل بن علی بخار

حافظی شروانی

بامقابلہ قدیم ترین نسخ و تصحیح و مقدمہ و تعلیقات

پروفیسر ڈاکٹر ضیاء الدین سجاد



بنام خداوند بخششده مهر بان

مقدمه

خوب بخاطر دارم که نخستین بار در سال پنجم دبستان چند بیت از قصیده ایوان مدائن خاقانی را از بر کردم و باین ترتیب بنام این شاعر بزرگ برخوردیم پس از آن ابیات دیگر همین قصیده را با شرح و توضیح بیشتر خواندم و یاد گرفتم و قطعه‌ای از او را نیز در کتاب درسی قرائت کردم ولی بیش از این از خاقانی اطلاعی نداشتم، حتی معلم مشق خط هم که بارها بمناسبت تعلیم خط ابن مصرع را برای سرمشق مامی نوشت: «فلک کجور تراست از خط ترسا» هرگز نمی‌گفت از کیست. تا اینکه چندی بعد بتدریج شرح حال خاقانی را از نظر گذرانیدم ولی همواره متوجه بودم که این شاعر فعل و سخن سرای استاد چنانکه باید مشهور نیست و درست او را نمی‌شناسند و اکثر علاقمندان شعر و ادب و کسانیکه از ادبیات فارسی بهره‌ای میگیرند از خاقانی همان قصیده ایوان مدائن را میدانند و بعضی هم شاید اشعار خاقانی را بهمین قصیده منحصر میکنند.

هنگامی که دیوان خاقانی بتصحیح مرحوم عبدالرسولی در تهران چاپ شد آنرا خریدم و بمطالعه پرداختم اما ضمن مطالعه هر چه پیش میرفتم مشکلات بیشتری در راه فهم لغات و تعبیرات و اصطلاحات می‌یافتم ولی بهتر بعظمت مقام و علو فکر و کثرت معلومات شاعر پی میبردم. وقتی که دردانشکده ادبیات سعادت کسب فیض از محضر استادان بزرگ و ارجمند نصیب شد در دوره دکتری ادبیات نیز قسمتی از دیوان خاقانی در محضر حضرت استاد بزرگوار آقای بدیع الزمان فروزانفر قرائت و بسیاری از مشکلات براهنمایی آن بزرگ حل شد. اما حضرت استاد همواره باغلاط نسخه اشاره و صورت های صحیح آنرا تقریر فرموده، ضمناً بلزوم تصحیح ثانوی دیوان خاقانی اشارت میفرمودند.

اینجانب هم بنا بر اشارت استاد و برای آنکه بسهم خود خدمتی بحالم شعر و ادب زبان فارسی کرده باشم در اندیشه اینکار برآمدم و بر اثر همان اشارت هشت سال تمام طی طریق کردم و مضایق آنرا بیای طلب در نور دیدم و با اینکه از روز اول دشواری این کار خطیر میدانستم تشویق و مساعدت استاد ارجمند جناب آقای فروزانفر و سایر استادان گرامی و از باب فضل را پشتیبان خویش قرار داده و بیش از پیش عزم را جزم کردم.

برای اینکه کار تصحیح دیوان خاقانی تا آنجا که مقدور بود بوجهی انجام گیرد که نزد اهل فضل پذیرفته آید در صدد تهیه نسخه صحیح و کهنه‌ای برآمدم و بتدریج

شرح حال خاقانی

در چهار بخش

بخش اول : نام - نسب - تخلص - موطن - تاریخ تولد

بخش دوم : سوانح زندگی - اخلاق - مذهب

بخش سوم : مملوحین - معاصرین - تاریخ و محل وفات

بخش چهارم : سبک - آثار - مقام شاعری او - شهرت اشعار -

مستشرقین و خاقانی .

بخش اول

نام - لقب - تخلص - موطن - تاریخ تولد

نام او بنا بر آنچه از تذکره‌ها بر می‌آید بدیل است و علاوه خود او نیز در مواردی چند بنام خویش اشاره کرده و میگوید:

بدل من آدمم اندر جهان سنائی را

و در تحفة العراقین گوید:

گر نه در تست سجده جایم

اما بعضی از تذکره نویسان نام او را ابراهیم^۱ و بعضی عثمان^۲ دانسته و ابو بدیل را برای او کنیه آورده‌اند^۳.

اما آنها که نامش را ابراهیم دانسته‌اند باستناد این بیت است که میگوید:

بخوان معنی آرائی براهیمی پدید آمد

و این دلیل درست نیست زیرا در این جا مقصود ابراهیم بت شکن است و یاء وحدت قرینه آن است که بآخر اعلام متصل نمی‌شود^۴.

خانیکوف مستشرق معروف نیز نام او را ابراهیم ضبط کرده است^۵.

برفسور مینورسکی هم در رساله خود نام او را ابراهیم ذکر کرده است^۶.

لقب - در زمان حیاتش به افضل‌الدین شهرت داشته و همین لقب هم در اشعارش در موارد زیاد آمده و معاصرینش نیز او را باین لقب یاد کرده‌اند.

خود او در اشعارش چنین میگوید:

افضل از زین فضولها راند

نام افضل بجز اضل منهدید

☆☆☆

هم کرد مرا دعا که نزع

در تحفة العراقین در مرتبه امام عمادالدین ابوالواهب گوید:

تا آخر دم ز روز اول

بودی بزبانش افضل افضل^۷

و بعضی از تذکره نویسان نیز نام او را فضل‌الله و پدرش را ابراهیم و جدش را علی دانسته و نسبش را اینگونه ضبط کرده‌اند: فضل‌الله بن ابراهیم بن علی^۸.

- ۱- آتشکده آذر - مجمع الفصحاء - ریاض‌العارفین - مجالس المؤمنین - طرائق الحقائق - مقدمه مرحوم عبدالرسولی
- ۲ - محمد بن داود علوی شادی آبادی (شرح دیوان افضل‌الدین عثمان بن علی ...)
- ۳ - مقدمه عبدالرسولی
- ۴ - سخن و سخنوران ج ۲ ص ۳۰۱ ح ۴
- ۵ - تاریخ ادبیات برون ج ۲ ص ۳۹۱ بیعد
- ۶ - ترجمه رساله مینورسکی فرهنگ ایران زمین دفتر ۲ ص ۱۱۳ تابستان ۱۳۳۲ - ۷ - مجله ارمنان سال ۵ شماره ۹ - ۱۰ مقاله آقای ناصح
- ۸ - تذکره دولتشاه چاپ هند ص ۴۰.

بعضی گفته‌اند^۱ که شروانشاه اخستان او را سلطان الشعرا لقب داده اما در اشعار خود او یا معاصرینش این لقب نیامده است و لقبی که بیشتر در اشعارش آمده حسان‌العجم است و گویا از جانب عم خود کافی‌الدین عمر بن عثمان این لقب یافته و در موارد زیاد از دیوانش خود را نایب حسان نامیده از جمله گوید:

خاقانی که نایب حسان مصطفی است

مداح بارگاه توحیدر نکوتر است

و نیز:

چون ز راه مکه خاقانی بی‌شرب داد روی

پیش صدر مصطفی ثانی حسان دیده‌اند

نام پدر او چنانکه در اشعارش آمده علی و پیشه او درودگری بوده است^۲ چنانکه گوید:

شیخ مهندس لقب پیر دروگر علی

کآزرواقلید سند عاجز برهان او

صانع زرین عمل پیر صنعت علی

و نیز گوید:

بخوان معنی آرائی براهیمی پدید آمد

زبشت آذر صنعت علی نجار شروانی

و در تحفة العراقین گوید:

وز سوی پدر دروگرم دان

استاد سخن تراش دوران ...

از بر خلاقم سبکبار

بر مائده علی نجار

بنابراین قول آنانکه نام پدر او را ابراهیم و جدش را علی دانسته‌اند درست نیست مادرش عیسوی نسطوری بود که بعد اسلام آورد^۳ و بطوری که اشاره میکند پیشه او طباشی بوده است: « هستم زپی غذای جانور - طباش نسب زسوی مادر » و چنانکه بعداً خواهیم گفت محبت و علاقه‌ای خاص نسبت بمادر خویش ابراز داشته و خود را بهر مادر در شروان پای بند دانسته است. در تحفة العراقین جدش را هم جولاه ذکر میکند بدین ترتیب:

جولاه نوادم از سوی جد

تخلص - قول صاحبان تذکره این است که در ابتدا حقایقی تخلص میکرده و پس از آنکه بوسیله ابوالعلاء گنجوی بدر بار خاقان اکبر منوچهر شروانشاه راه یافته تخلص او خاقانی شده است.

تخلص اول در دیوانش دومورد بیشتر نیامده است باین ترتیب:

چون کار بکعبتین عشق افتد

شش پنج زنش حقایقی باید

۱ - شادی آبادی در شرح گوید: « و نیز شروانشاه اخستان بن منوچهر مر امام خاقانی را بخطاب سلطان الشعرا مخاطب گردانیده بود » (سخن و سخنوران ج ۲ ص ۳۰۱)

۲ - مرحوم عبدالرسولی کنیه پدرش را ابوالحسن نوشته ۳ - در تحفة العراقین گوید:

نسطوری و مؤبدی نژادش

اسلامی و ایزدی نهادش

پس کرده گزین بمقل والهام

بر کیش کشیش دین اسلام